

دور ترور در يك روستای افغانی

رادك سيكورسكى Radak Sikorski يك خبرنگار
بولیندی که فعلاً در انگلستان بسر میبرد اخیراً
سه ماه را با مجاهدین افغانی در داخل افغانستان
به مسافرت پرداخته و چندین خود را از قتل
عام در کدک سروان هرات جنین بازگو میکند .

در ماه اگست - ال گذشته هفتاد تن که در آن جمله چار زن و کودک
نیز بودند ، در اثر يك بمباری در قریه مجاور ولسوالی یشتون زرغون هرات
واقع شمال غرب افغانستان به هلاکت رسیدند .

این يك تعرض تیبیک بدون تفریق و تبعیض علیه اهداف غیر نظامی بود
که در حال حاضر به حیث يك روش ضد انسانی از طرف قوای اشغالگر شوروی در
افغانستان به کار برده می شود . برخی از ینگونه حوادث هرگز به سمع
جهانیان نمیرسد چونکه از نظر خبرنگاران غرب ، پوشیده می ماند . اما من
در محل حادثه حضور داشتم و شاهد تعرض و نتایج ناشی از آن بودم .

۱۱ اگست - ساعت ۷/۳۰ قبل از ظهر ، من در یکی از خانه های نزدیک
به کدک سروان جای می نوشیدم و به سرویس بین المللی بی بی سی گوش

فرا داده بودیم . يك مجاهد افغان دوان دوان وارد اطاق شد و فریاد
 برآورد که جتهای شوروی فرا رسیده ، خود را پنهان کنید .
 چار طیاره سو ۱۷ (17 - SU) بمب انداز ، در ارتفاع یازده هزار
 فیت به سرعت به قریه بزرگ کنار هری رود نزدیک شد . يك لحظه بعد ، این
 طیارات بمب های خود را فرو ریختند که چند میل دورتر منفجر گردید و
 در اثر آن بر فراز آسمان قریه سربز دود و خاک غلیظ بهوا بلند شد .
 وقتی من به محل حادثه رسیدم حدود سی تن شهید ، بست آمد . چهل تن
 دیگر ناپدید شده بودند . روستائیان ، با بیل و حتی دست خالی ، آوار چار
 خانه بزرگ را که در اثر بمباری ویران شده بود جستجو میکردند . کوفش
 روستائیان تا شامگاه نتیجه ای را ، بار نداد بیش از يك انسان و يك گربه
 ، زنده بدست نیامد . ناگهان يك مرد ریش سیید در حالیکه عمامه ای
 بر داشت و با استعمال مرطوبی دهن خود را بسته بود و دهلیزی را که به
 يك زیر خانه منتهی می شد ، پاك می کرد ، دیگران را فرا خواند . زیرا
 او حدسه تن دیگر را یافته بود . نجات دهندگان روستایی به محل حادثه
 متافتند و بعد از مدتی سه نفر را زنده از زیر خرابه ها ، بیرون کشیدند
 مائری هنوز دو کودک خویش را در اغوش داشت . آنان در زیر زمینی پنهان
 شده بودند و سقف زیر زمینی توانست در برابر بمب ها هایداری نشان بدهد
 و سایر بخش خانه که از گل ساخته شده بود ، فرو غلتیده و خانه را بر
 از خاک و کلوخ کرده بود . آنان در اثر کمبود هوا خفه شده بودند
 وقتی خاک را از سطح زیر زمینی دور کردند ، اجساد محروم آنان در حالیکه
 سان جمعه های اثر تاریخی بمعنی ^(۱) Pompeii به همدیگر چسبیده
 بودند ، نمایان گردید .

(۱) شهر روم باستان که بر اثر وقوع آتشفشان زیر خاکستر گردید .

سایرین از زیر خرابه ها بیرون کشیده شدند روی صحن محدد قریبه گذاشته شد . ملا اسمعیل ، زن و پنج فرزندش ، دو همسر ملا الله داد و هفت دخترش ، ملا قمرالدین ، زن و سه کودکش ، ابراهیم با خانم و شش اولادش در جمله این اجساد بودند که فوراً شناسایی شدند . البته عده دیگری نیز روی زمین مجد ارامیده بودند .

این حمله بصورت بسیار وحشیانه ای موثر واقع می شود چونکه قوای شوروی در حال حاضر توجه بیشتر خود را به این تکتیک معطوف داشته اند . چونکه دهقانان باید طرق نجات خویش را در چنین حوادث انکشاف داده و به محض شنیدن صدای طیارات خانه خود را فوراً ترک بدهند ، در حالیکه از طرف دیگر علیه این بمباریها پناگاه و یا محل مثنوی ندارند .

زنان در زیر زمینی منازل شان ، پنهان میشوند و بعد در اثر اصابت يك بم نسبتاً كوچك ، دیوار این چنین ساختمانها که بطا هر محکم و استوار معلوم میشود ولی در واقع امر از يك مفت خاك و گل خام ساخته شده فرو می ریزد و پناه بردگان خود را بر کام خود فرو می برد .

در هفته های بعدی ، وقتی ، روستا زادگان آموختند که موقع بمباری به کشتزار ها و مزارع بروکنند طیارات شوروی ، به رتاج بمبهای خوهه پی برداختند و شمار تلفات دهاتیان را بالا بردند .

حمله بزرگ :

کنک سروان ، در حدود ۱۲ کیلو متری شرق شهر هرات واقع و تحت کنترل تنظیم جمعیت اسلامی افغانستان ، قرار دارد . مانند هر نقطه دیگر

افغانستان اکثر مردم این منطقه ، ملج هستند و به مهر فرمان
قوماندان خود از منازل خویش بیرون می شوند و در برابر نیروهای
شوروی بسته عملیات میزنند . مردان با خانواده خود زندگی می کنند
و وقتی شوروی ها از پایگاه نظامی شان که چندان دور نیست ستون تانکها
را می فرستند از قریه خود دفاع میکنند .

دهکده کشک سروان از نظر نظامی هیچگونه ارزشی ندارد . اما چون
در مجاورت قریه ، يك دفاخانه صحرایی برپا شده ، لهذا مورد حملات بسی
در پی طیارات قرار گرفته است . به اساس گزارش جواسیر متعددی که
اکثر شان در دست مجاهدین گرفتار و اعدام شده اند ، شوروی ها کاملاً
اگاهند که بمباری ترین منطقه بر جمعیت به افراد ملکی نیز زیانهای
زیاد وارد می نماید .

قتل عام ۱۱ - اگست ، حادثه غم انگیزی بود که در خلال توقف
هفته ای من ترین روستا صورت گرفت . اما عده زیاد اهل این قریه در اثر
بمباری که هر هفته رخ می دهد ، تلف می شوند .

متعاقب وصول من ، در ماه جولایی ترین دهکده ، این منطقه چندین روز
مورد حملات شدید طیارات قرار گرفت . این بمباریها بدین جهت بر مردم قریه
صورت گرفت که با محمد اسمعیل خان امیر اسلامی افغانستان ، در جنوب غرب
افغانستان ، همکاری نزدیک داشتند . در اثر این بمباری چارصد قبر دیگر
بر قبرستان قریه افزوده گشت .

مشکل است که ملیت هوا بازان بدرستی تشخیص شود اما همه هوا بازان
افغانی در اتحاد شوروی تربیت و تمرین می بینند و طیارات شوروی را پرواز
میدهند و مشاوران روسی عملیات نظامی شان را نظارت می کنند . بدین

لحاظ ، ملیت را باز هر چه باشد ، موفقیتی که از نزدیک شاهدان بودم اعتبار آن بایستی به اتحاد شوروی محاسبه گردد .

در حال حاضر ، چنین می نماید که فعالیت های هوایی بیشتر به منظور ترور افراد ملکی عملی می گردد .

من در یکی از کنفرانسهای قوماندانهای مجاهدین که در سرگازهان دایر گردیده بود و قوماندانها که از نقاط مختلف افغانستان آمده بودند ، نقشه های خود را شرح میدادند ، اشتراک ورزیده بودم . این گُـسـرد هم آئی فرصت طلایی بود برای شوروی ها که منطقه را بمباران کنند و در نتیجه بهترین قوماندانان جهاد را از بین ببرند ولی در اثر موجودیت ماشیندار ها و راکتهای ستینگر ، شوروی ها نتوانستند به مراد دل خود برسند .

قوماندانی شوروی ، چون نتوانست مجاهدین را مورد حمله قرار بدهد در آنگاه تصمیم گرفت بجای آن افراد ملکی و روستائیان را بمباران کند به این منظور تا روستائیان را از همکاری با مجاهدین ملزمان باز دارد . ولی این یک اشتباه محض بود ، زیرا درست بعد از بمباران روستای کدک سر وان هیئتی به نمایندگی خانواده های که درین حادثه به شهادت رسیده بودند از طرف روستای مذکور نزد محمد اسمعیل خان شتافتند و از قوماندان جهاد هرات ازینکه تا ایندم در جهاد بهم موثر نگرفته بودند ، پوزش خواستند و لهذا تقاضای فوری اسلحه و مهمات نمودند و از امیر خواستند به ایشان اجازه داده شود تا در کنار سایر مجاهدین ، در جنگ بهم بگیرند و به قوای اشغالگر حمله پیرنند .

چنانیکه بمباریهای لندن و هامبرگ ، مردم این شهر ها را به زانو (مر - ۲۰)

زمین نورانی
وزیردولت - وزارت خارجه پاکستان

افغانستان : والعتها - دورنما ها

چندی قبل صدراعظم پاکستان اظهار امیدواری نمود که ۱۹۸۸ برای افغانستان سال سرنوشت ساز بشمار خواهد رفت . بر اثر اشاره های که از مسکو بعمل آمده و بهبود اوضاع سیاسی بین المللی بدنبال ملاقات ریگن گورباچف این امیدواری را تقویت بخشیده و در جهت تعقیب فیصله های مناسب و اساسی قضیه افغانستان يك فال نيك محسوب می شود چنانکه بتاسی آن زمینه را برای ایجاد يك افغانستان آزاد و غیر متعهد فراهم گردانید ، بمرم اندیاز فرصت خواهد داد تا حکومت دلخواه خویش را تأسیس نمایند و برای میلیون ها افغان مهاجر زمینه مساعد را فراهم ساخت تا در فضای مشئون ، با احترام و عزت بخانه های خود برگردند .

برای امنیت پاکستان و کشور های آسیای جنوب باختری يك افغانستان غیر متعهد امر حیاتی بشمار میرود . سطح جهانی حل عادلانه و آبرومند قضیه افغانستان که بر اثر تجاوز نیرو های خارجی بعمل آمده ، روابط شرق و غرب را بهبود خواهد بخشید در راه حل قضایای منطقه موثر خواهد

بود و فضای اعتماد را استوار تر خواهد گردانید و سرانجام به صلح و امنیت بیشتر دنیا که امر لازمی شمرده می شود خواهد انجامید .

آرای فزاینده کشور های جهان در موهه ملل متحد ، رکبار دیگر در جهت تامین صلح و سرگشت اوضاع بحال عادی و خروج نیرو های اتحاد شوروی تاکید بعمل آورد . خروج نیرو های شوروی از افغانستان محور مذاکرات دوام دار چینوا را تشکیل میدهد که چوکات خروج نیرو های شوروی بصورت صحیح ترتیب یافته است . چار ماده ای که شوروی را به احرائان ملزم می گرداند عبارت است از عدم مداخله و تضمین های بین المللی ، که بالای آن توافق صورت گرفته است ولی مسئله زمان بندی خروج نیرو های خارجی تا ایندم حل نشده است .

قضیه اساسی که در دوران مذاکرات چینوا بالای آن موافقه بعمل آمده این است که بمردم افغانستان اجازه میدهد که بدون حضور نیرو های خارجی و فشار سرنوشت خود را تعیین نمایند . از جانبی حل سیاسی برای نیرو های خارجی اجازه نمیدهد که با اقدامات نظامی متوسل شوند . برای آنکه این فیصله از نگاه بین المللی و نیرو های مقاومت قابل اعتماد باشد باید بر مبنای جدول زمان بندی خروج کوناه مدت استوار باشد . عدم ارائه زمان بندی مناسب خروج نیرو های شوروی بیگانه مانع اساسی بشمار رفته و موجبات تاخیر و طولانی شدن کنفرانر چینوا را فراهم نموده است .

بر اوائل امسال مکو و کابل منی مصالحه ملی را مطرح نمودند و آنرا یا خروج نیرو های شوروی مرتبط ساختند . پاکستان علاقه مند بود تا بر راه پیشرفت يك مصالحه ملی واقعی همکاری نماید چنانکه تصریح نمود که اولام این مسئله به خود افغانها ارتباط دارد . پاکستان چنین می

اندیشید که درین مسئله گروه‌های مختلف افغان اعم از محاهدین ، مهاجرین دانشمندان ، روشن فکران و شخصیت‌های سیاسی شرکت بجویند . ولی پیشنهاد های یاد شده را حزب نموکراتیک خلق افغانستان نپذیرفت . واضح است که آنها نمیتوانند زیر این پوشش به زندگی خود ادامه بدهند و برای افغانها آشتی ملی واقعی بآن صورت امکان پذیر نیست .

آزادی عمل :

پاکستان از رضایت عمومی افغان ها حائز داری می کرد چنانکه طرح حکومت موقت را پیشنهاد نمود تا برای گروه های افغان در دوران عملیه خروج ، آزادی عمل میسر شود . این مذکوره باین خاطر ماثب بود که برای بیگانگان این فرصت را نمیداد تا برای تحمیل قدرت سیاسی در کابل قدرتی بر اختیار داشته باشند . همزمان بان پاکستان به ضرورت زمان بندی خروج نیرو ها را اصرار می ورزید . ما متیقن بودیم که فیصله جینوا اعتماد شوروی را برای خروج نیرو ها افزایش خواهد داد و برای افغانها چنان فرصتی را میسر خواهد گردانید تا در سازماندهی امور آینده خود در افغانستان بیشتر حدیث بخرچ دهند . هر آینه جدول زمانی کوتاه مدت بر گروههای افغانستان فشار بیشتر وارد خواهد ساخت تا بدان جهت حرکت کنند . وضع بشوار روند مذاکرات جینوا در مارچ گذشته ، و فاصله گفتگو میان اسلام آباد و مسکو بالای مسئله افغانستان موجب نومیدی ما را فراهم ساخت . ولی واقعیت صحت این مسئله را تأیید کرد . عملیات سنگین نظامی در داخل افغانستان و تکتیک فشار بر پاکستان ، و مبارزه سراسری برای

حصول حمایت از مصالحه ملی ورشکسته، بناکاری بیانجامید. تلاش‌های بیگیر رژیم کابل برای قنونی بودن آن در پرتو مصوبات لویه جرگه و جنگ‌های سنگین برای کاهش قوای مقاومت هنوز هم ادامه دارد. ولی هشت سال جنگ‌های حماسه آفرین محاهدین و قربانی‌های بسیار آنان بدون تردید نشان داد که مردم افغان امارت را نمی‌پذیرند و حکومت تحمیلی را قبول ندارند.

واقعیت‌ها :

در اظهارات اخیر رهبر شوروی نکات روشن مشاهده می‌شود که در پرتو آن وضع افغانستان و انعکاس شوروی را در برابر حل مسئله افغانستان نمایان می‌گرداند. در جهت جدول زمانی خروج نیروهای شوروی حرکت‌های دیده می‌شود. آمادگی هر دو برای خروج از افغانستان ظرف ۱۲ ماه از طرف گورباچف منشی عمومی عنوان گردید و امکانات حل این مسئله را در چنینوا آماده نمود. امیدواریم بکابل اجازه داده نشود که بالای حل مسئله چانه بزند و با تقاضای تازه مطرح نماید. در مذاکرات آینده چنینوا باید بالای موضوع مهم جدول زمان بندی خروج نیروهای شوروی بحث و گفتگو تمرکز یابد. آرزوی شوروی به منظور خودداری از جنگ، و آمادگی برای بیرون کردن نیروها اگرچه مشروط باعد، باز هم زمینه خروج نیروهای ان کشور را آماده خواهد ساخت و افغانها را متقاعد خواهد گردانید که شوروی در تعهد خود برای بیرون کردن نیروهایش با بندی دارد. بدنبال ملاقات سران، گورباچف منشی عمومی گفت، اتحاد شوروی از رژیم طرفدار مسکو در کابل طرفداری نمی‌کند هم چنان هیچ قدرت دیگر نباید در جهت استقرار حکومت طرفدار خود تلاش کند. این امل عمده از طرف

جوامع بین‌المللی بخاطر ارزوی يك افغانستان آزاد و غیر متعهد مورد تاکید قرار گرفته و در ماده تضمین بین‌المللی مذاکرات چینوا گنجانیده شده و شناسائی آن از طرف رهبر شوروی حایز اهمیت فراوان است و باین اندیشه قوت می بخشد که مسکو بیش ازین در جهت ایجاد واقعیت‌های خود در افغانستان پافشاری نخواهد کرد بلکه از سوی دیگر حاضر خواهد بود تا تغییراتی را که در حقیقت اوضاع بوجود آمده بپذیرد .

تطبیق این اصول باید با گام های اساسی دنبال شود . اولتر ولسی مهمتر از همه ، اصول واقعی برای مصالحه ملی تعریف گردد و پذیرفته شود از جانب دیگر فعالیت گسترده نظامی شوروی متوقف شود . این اقدام توافق های سیاسی را که موجب جلب نیروهای سیاسی افغان می شود ، فراهم خواهد ساخت . حل سیاسی باید آرزو ها و تمنیات مردم افغانستان بشمول مجاهدین و مهاجرین را منعکس سازد و پلان های را که به گروه مخصوص افغان امتیازی را ببخشد ، باز دارد .

پاکستان بخاطر ملاحظات اهمیت موقعیت جیوپولتیک به حل سریع قضیه افغانستان علاقه مندی فراوان دارد . ادامه بی ثباتی برای امنیت پاکستان پیامدهای وخیم بار آورده و حضور مهاجرین بار سنگین اجتماعی و اقتصادی را بر شانه های پاکستان تحمیل نموده است . باین خاطر در مذاکرات چینوا انعطاف پذیری نشان دادیم و موضوع جدول زمانی خروج نیروها را بررسی گرفتیم و به پیشنهاد های قانونی پاسخ مثبت ارائه نمودیم . پیشنهاد صدراعظم پاکستان برای استقرار نیروی باسدار صلح از اهمیت بسیار برخوردار است . بنا بران بدیدار آیند کوردوویز باروویه سازندگی می نگریم . از مساعی او در داخل و خارج مذاکرات چینوا پشتیبانی می

کنیم . از جانبی آغاز مذاکرات را با اتحاد شوروی با دلچسپی فراوان تعقیب می کنیم ، زیرا موقف آن کشور را در راه حل نمایان می سازد .
 پاکستان در جهت بستن بای بیگ فیلده از فرصت استفاده خواهد نمود و لکنی پاکستان هرگز در برابر موضع اصولی خود سازش نخواهد کرد .
 آرزوی پاکستان کسب دوستی ، همکاری و بهره برداری متقابل با اتحاد شوروی است . از نفوذ بزرگ شوروی برای تامین صلح و آرامش در منطقه خود آگاه است . با حل منصفانه قضیه افغانستان برآستی که ۱۹۸۸ سال مزده نهنده و عمر تازه صلح و آشتی خواهد گرید .

روز ترور در يك روستا ... صفحه ۱۴

در نیارد ، نجات یافتگان جنگ افغانستان نیز بدور مهادین خود که از ایشان حمایت می کنند ، می ایستند . يك افغان ، بگونه يك انگلیس دشمن خوشتن را بعد از آنکه احاد یارانم را از زیر بمباران بگیرد و ایشان را به خاک و خون بکشد ، در آغوش نخواهد کشید .
 آنان کاملاً مستمعند که تا کتیک های شوروی ، موجب زیان و آزار ایشان خواهد گردید ولی میل ندارند از وطن شان روی بگردانند و به جنگ پایان بخشند و به این ترتیب اکثریت افغانها به صداقت حکومت کابل ، در جهت پیشبرد مصالحه ملی نمیتوانند ، متبقت باشند .

فلوریس وان ستراتن

د افغانی ماشومانو په ښوونه باندې د جگړې اغېزې

په افغانستان باندې د روسانو د وسله وال يرغل څخه مخکې هم دغه هېواد د زده کړې له پلوه په اسیایي هېوادو کې یو وروسته پاتې هېواد و. • بدې تیرو اوو کلونو کې د تعلیم او زده کړې مسئله نوره هم ګډه وده شوې ده. • په زرګونو لومړني ښوونځي وران او وېجاړ شوي دي، یوه کمه اندازه زده کوونکي مینځنۍ ښوونځیو ته ځي راځي او د ګوتو په شمیر ځوانان هم لوړې زده کړې نشي کولي.

کوم کوچنيان چې د افغانستان د حکومت د کنټرول لاندې سیمو کې زده کړه کوي د روسي مفکورې تر اغېزې لاندې راځي، او هغه کوچنيان چې د نیکه مرغه د مجاهدينو د کنټرول لاندې سیمو او یا د مهاجرو په کمپونو کې ښوونځیو ته ځي راځي، هغوی د روسي ښوونو پر ضد د جهاد د باره روزل کېږي.

د افغانی او غربي غېږونکو سره دا ویره شته چې د آزادۍ د ګټلو څخه وروسته به افغانستان د مسلکي کفر د کمبود سره مخامخ شي ځکه هغه کسانو چې د جهاد څخه مخکې زده کړه کړې ده هغو سره توپیر لري چې د جهاد په شرایطو کې خپلو زده کړو ته ادامه ورکړې ده.

په نېره کمه پیمانه افغانی کوچنيان په منظمه توګه ښوونځیو ته تلک راتګ کوي. دا رنگه د مهاجرو په کمپو کې یواځې د سلو څخه ښه

ويست هلکان د خو کلو څخه را په دی خوا په لومړنيو ښوونځيو کېنې سبق وائی ه خو ډير لږ شمير ته يی د لوړو زده کړو عرايط برابر شوی دی .
 په ډيره کمه پيمانه زده کوونکي دننه په افغانستان کې زده کړه کوي چي د هني پرتله د کډوالو په کمپونو کې د تعليم اندازه ښه ده . د کابل د بو هنتون د تاريخ پروفيسر ، دکتور سيد محمد يوسف علمي په قول په افغانستان کې د لومړنيو ښوونځيو شمير د ۱۹۷۴ نه تر ۱۹۷۸ پوري د ۱۱۵۴ وټه چي دا شمير په وروستي موده کې ۲۱۰ ته راتيت شوی دی .

د کابل د رژيم تر سلطی لاندی سيمو کې يو شمير ماشومان ښوونځيو ته نې راځي مگر د هغوی پلار او مور يدي انديښنه کې دی چي ددوی اولادونه به د روسی مفکورو تر اغيزی لاندی راځي ځکه روسان کوښښ کوي چي کوچنيان په خپله روحيه وروزي . نو ځيني خلک په افغانستان کېنې له دی کبله خپل کوچنيان د مجاهدينو د کنترول لاندی سيمو په ښوونځيو کېنې داخلوي او ځيني پاکستان ته هجرت کوي .

روسان او د هغوی ملگري د افغانی کوچنيانو د مفکوری بدلولو د باره ښوونځي د يوې نرندي وسلې په توگه استعمالوي او کوښښ کوي چي د افغانی ځوانانو مفکوری بدلي کړي او هغوی سوسياليزم ته وفادار ملگري کړي .

د پوهنی ډير کتابونه د روسی متخصصينو په واسطه ليکل شوی دی .
 د تاريخ نرسونه د روس او نورو کمونستي هيوادونو په حقله لوستل کېږي شاگردان بايد تاريخ د ماترياليزم دپالکتیک په رڼا کېنې ولولي . کوچنيان په لوړو ټولگيو کېنې بايد د سياسي علومو کورس ولولي به کوم کېنې چي د مارکس ، انگل او لينن په حقله درس ورکول کېږي .

د بوليتخنیک په پوهنځي کې پخوا په انگليسي ژبه درس ويل کيده اوس هلته روسي ژبه ضروري گرځول شوېده. روسي د خارجي ژبي په حيث هم لوستل کېږي ، او يوه باقدرته ژبه گڼل کېږي .

ډير لږه پاملرنه د قران عظيم الشان درس ته ورکړې شوې ده . کوم چي د پير و راهيسې د افغانستان د ملي ښوونځي او مدرسي حيثيت لاره او سر تښ په نامه ملايان د حکومت له خوا په ښوونځيو کې روزل شوي او تربيه شوي دي ، او په جماتونو کې هلکانو ته په بدله طريقه اسلامي درس ورکوي .
ځوانان يواځي په ډيموکراتيک زمان کې شامل شوي ، کوم چي د روس د " کومسومول " سره ورته والي لري .

د افغانانو د " روسي کولو " بله طريقه کومه چي د کابل حکومت او د مسکوله خوا روانه ده هغه افغاني کوچنيان روسي ته استوي . يو امريکائي غيږندوي لپنداره کړي ده چي د ۱۹۸۴ څخه را په دې خوا ۳۰۰۰ کوچنيان چي د شوروي عمرونه د لسو او څوارلسو کالو په مېنځ کې دي هر کال روسي ته د لسو کلو د مودي د پاره لېږل شوي دي . روسان هميشه پتيمان او کوچنيان د دې پروگرام د پاره انتخابوي . ځني کوچنيان د دې پروگرام لاندې بي د هنوي د مورو پلار د رضا بر خلاف شوروي ته استوي او ځيني د مور او پلار په رضا سره سم ، کوم چي د حزب غوي دي ليدل کېږي . د دې نه پرته هر کال تقريباً (۱۲۰۰) شاگردان د گرمي په موسم کې کمبو ته استوي .

په دې پروگرامونو کې د شوروي ډير مقصدونه دي . د ځوانانو په حقله کوم چي خپل ټول تحصيلات په شوروي کې پای ته ورسوي ، شوروي د اهيله لري چي د هنوي د مغزو تخته د کمونيزم د تاثير څخه تر دومره اندازي -

متاثره کړی چی یوه روح هنوی خپل هیواد د شوروی غیږی ته ورواجوی او
د شوروی د مقصد مرکلی و کړی . ځینی نورو کوچنیانو ته د تخریبکاری او
جاسوسی ترس ورکول کپړی .

به هر صورت افغانی محصلین چه خومره ډیره موده به شوروی کښی پاتسې
شی هنومره دوی ته د روسیانو د ژوند هغه کمزوری او ناکاره اړخونه
معلومیزې . پروفیسر سید بهاوالدین مجروح د کابل پوهنتون پخوانسې
استاد او " د افغان اطلاعاتی مرکز " مشر په یوی مرکه کښی وویل چی
افغانی محصلین د شورویانو د تعصب څخه به ډیره لویه اندازه به تکلیف
دی . پروفیسر مجروح زیاته کړه چی " د افغانستان جنگونه
خو روسیانو ته او نه افغانانو نه د چا د باره چی شوروی دا فکر کوی چی
هنوی جنگیږی، څه اهمیت لری " ډیر افغانی محصلین دا کوښښ کوی چی
خپل ملیت پت وساتی او بهانه وکړی چی هنوی د سوری او یا د لبنان اوسید
ونکی دی . ډیر محصلین به ډیر کم کالر شپ گزاره کوی .

د اوږدی مودی پروگرام د افغانانو د " روسی کولو " د باره خومره
چی شوروی فکر کوی دومره گټور ندی . پروفیسر مجروح د شوروی د دی
کوښښ سره چی افغانی کوچغان " روسیان " کړی ډیر به تشویش کښی ندی . هغه
پدی باور لری چی د کوچنیانو دا قسم روزنه یو سطحی کار دی او کله چی
روسیان د افغانستان څخه ووځی نو دغه کوچنیان به به ډیره لږه موده کښی
دسپره وروزل شی او خیالات به شی بدل شی .

مجروح د خپلو تجربو په رڼا کښی چی هغه ته د شوروی د سنترل ایشیا
د جما هیرو به حقله شوی دی دا امید پکاره کړه چی دغه سیمی د کال ۱۹۳۰
څخه د کال ۱۹۳۰ پوری د مفکورو او مذهب بدلولو د ډیر سختو فشارونو او

پروگرامونو لاندې وې . خو ددې سره سره د شوروي د پنځوس کلنې مبارزې په نتيجه کې ، ډېر لږ شواهد موجود دي چې " روسي مشربه " نل پيدا شوې دي . نو له دې کبله محروم واخلئ دې او ورسره د دې خبرې ويره نشته په افغانستان کې به دا د هغې نه زياته خټه به دې وي چې مونږ ډېر مقاومت کوو هغه وځنډل او وي ويل :

دا هم د تشويش وړ خبره ده په کومو ځايونو کې چې د مجاهدينو حکومت دی د افغانستان په دغه علاقه کې د ښوونځيو په حقله يوه گرانه مسئله را پيدا کړې شوې ده . د ښوونځيو ډېرې ابادي د روسي بمباري له کبله وړانې ويجاړې شوې دي ، او ځينې ښوونځي د مجاهدينو له خوا پدې وجه بند کړې شوې دي چې هلته هغوی دا فکر کولی چې د هغو اولادو ته به د روسي توب تلقين وشي او روسيان به کړي شي .

د مرستو کارگر ، په پېښور کې دې نتيجه ته رسېدلې دي چې د افغانستان په دننه د ښوونځيو په حقله بايد دغه کار وشي چې د ښوونځيو کمبود پوره شي . په ۱۹۸۳ کې د افغانستان تعليمي کمیته ، د سويدن د کمېټې په واسطه جوړه شوه چې د افغانانو سره کمک وکړي چې د افغانستان په دننه کې نوی ښوونځی پرانځي . کمېټې د مجاهدينو د قوماندانانو د ليارۍ کار شروع کړه . قوماندانانو د پروژو د بشپړولو د باره عريضې کولې او بويجه ورته ورکول کيدله .

د پوهنې کمیټې بالخصوص د تعميرونو د جوړولو د باره مالي کمک ورکاوه او ورسره ئې د استادانو تنخواگاني او نرسي کتابونه هم ورکول . مگر په هر حال دوی د نرسي نصاب او پروگرام سره هيڅ سرو کار نه درلود . مونږ دا خبره افغانانو ته پريږدو چې څه تدريس کوي او په څه طريقه "

سون جانسن د تعلیمی کمیتی مالی منبر وویل : مونږ یواځی د دینسی مرسو سره مالی کمک نه کووه هغه زیاته کړه دغه کمیتی ، د ۲۱۰ ښوونځیو چی په کښی ۲۸۰۰۰ زده کوونکی سبق وایی او ۸۵۰ ښوونکی به کښی تدریس کوی د کمیتی مرستی ، د افغانانو د ضرورت به نسبت کافی نه دی ځکه به د افغانانو ضرورت د دغه څخه ډیر لوړ دی . جانسن ددی خبری اعتراف وکړ په هر صورت د کمیتی بونیجه دومره نده چی دغه کار به پوره توگه وکړی . د افغانانو د اقلیت پوه لویه برخه کوچنیان د مهاجرو ښوونځیو ته ځی . دغه ښوونځی په پاکستان کښی د مهاجرو د پاره د ملگرو ملتو د ښوونی او روزنسی د اداری له خوا کمک کپزی . دا ښوونځی عموماً په یوه ساده طریقہ تعمیرونو او یا په خیمو کښی جوړ شوی دی او هلاکان په ځمکه کښی ، ډیر ښوونځی عموماً یو څه اساسی سامان لکه توره تختی ، پفسلونه کتابچی او سلپتونه لری . د زده کوونکو د سبق یادولو یواځنی طریقہ داده چی هغوی په گډه سره هغه څه بېرته بار بار تکرار وی کوم چی ورته ښوونکی وښلی وی . د شاگردانو انفرادی مفکورو ته بیخی ډیری کمه توجه ورکړی شوی ده او ډیر کم تشویق شوی دی . دا ځکه چی د هغوی ښوونکو هم په خپله دغه شان سبق وښلی دی او د انفرادی مفکورې طریقہ ورته نده ښودل شوی .

میرمن الن وان کانتوت Ellen von Kanthout په بلوچستان کی د پوهنسی د پوه کارکوونکسی په دی عقیده ده چی د مهاجرینو په ښوونځیو کښی د ښوونکو-ویه پوه ډیره لویه او اهمه مسئله ده . " دا هیڅ ممکن نده چی په دغه جمله کښی لایق او با استعداد ښوونکی پیدا شی " دا خبره هغی د یوی مرکې په دوران کښی په بلوچستان کښی وکړه . اوس د ملگرو ملتو

د ښوونځي او روزنې ادارې د ښوونکو يو پروگرام جوړ کړی دی. ښوونکي تربيه کړې او دا مسئله حل کړې.

د زده کوونکو زيات شمير ، هلکان دي ، ځکه چې په اسلام کې د نجونو او هلکانو د تعليم ممنوع دی ، نو نجونې بايد جلا ښوونځي ته لاړې شي . د نجونو ښوونځي دومره ندي . په تول بلوچستان کې په ۱۴۰ - ښوونځيو کې چې د ملگرو ملتو له خوا تاسيس شوي دي ايله دولس ۱۲ ښوونځي د نجونو د پاره دي په صوبه سرحد کې حالت يو څه اندازه ښه دی .

د مهاجرو هلکانو د پاره متوسطه زده کړې او تعليم په عمومي توگه د مجاهدينو د احزابو په لاس کې دی . د هنوي ځينې ښوونځي ډير په مجهز دي او د قران پاڅ د درس نه پرته ورته نور سبقونو هم وئيل کېږي . په هر صورت تنظيمونه په دې عقیده دي چې څه وخت چې د دې هلکانو تحصيل پای ته ورسېږي دوی به جهاد ته ځي . هنوي ته عسکري درسونه هم ښودل کېږي او ورته مسلسل دا وئيل کېږي چې دا د هنوي وظيفه ده چې د روسي کافرو په خلاف جنگ وکړي . ډير هلکان داسې تربيه شوي دي چې هنوي پواځي ځانونه مجاهد گڼي او د جنگ د ختميدو څخه وروسته د خپل پل د افغانستان دراتلونک ورسره هيڅ فکر نشته . ځينې نجونې دا ارزو لري چې د يو سر او بهادر مجاهد سره واده وکړي .

ځينې کوچنيانو ته دا موقعي حاصله شوي ده چې هنوي متوسطه ښوونځي په داخل د افغانستان کې ولولي . د علمي د وينا په مطابق په افغانستان کې د لېسو شمير په ۱۹۷۸ کال کې د ۱۶۳ څخه د ۱۹۸۴ پورې ۴۴ ته را پروتې دی . (۱۴۲م مخ)

دکتر نور دی سیمونیا

حادثه هم انگیز مداخله لوی شوروی در افغانستان

دوکتور نوداری سیمونیا Nowari Simoniya یکتی از خاور
شناسان بسیار دانشمند شوروی در انستیتوت مطالعات مسکو ، مدیر دبیرتت
مسایل مربوط به تیوری اقتصادی و سیاسی معالک روبه انکشاف است .
دوکتور نوداری در مورد معالک مشرق زمین بنامهای طرق انکشاف و قلمرو
سرمایداری در شرق آثار متعدد تالیف نموده و برین مصاحبه که با لارنس
لیف شولتز Lawrence Lifschultz خبرنگار امریکایی در مسکو بعمل
آورده اشتباهاتی که بعد از مداخله شوروی در سال ۱۹۷۸ در کابل صورت
گرفته و اهداف سوسیالیست شوروی در افغانستان ، نقش آیالات متحده امریکا
و نظر پاکستان و چهره جدید جامعه شوروی را بازگو می کند .

لیف شولتز : آنچه من استنباط کرده ام در خلال بهار و زمستان ۱۹۷۹-
در مورد تحولات سیاسی در افغانستان ، و آنچه که اتحاد شوروی انتظار
آنها داشت در حلقه های کارشناسان و مامورین مسکو ، اختلاف نظر هبای
وجود داشت . نظر خاص شما ، در مورد تحولاتی که در افغانستان ، بعد
از آن اتفاق افتاد ، بر چه منوال است ؟

سیمونیا : علاقه اساسی من ، مطالعه در باره مشکلات کشور های روسیه
 انکشاف میباشد . من يك کارشناس افغانستان نیستم ، ولی بهر صورت در
 مورد این وقایع نظریات و عقاید خاص خودم را اظهار می کنم . من
 در انقلاب سال ۱۹۷۸ افغانستان ، چیز غیر عادی مشاهده نکرده ام . من به
 به حیث مورخ ، میدانم که چنین انکشافات هر روز در کشور های امریکایی
 و افریقایی و آسیایی رخ میدهد . انواع کودتا های نظامی صورت می
 پذیرد و به تناسب اینکه چه گروه هایی این چنین کودتا ها را برآوردند
 اند بدان نامهای " ارتجاعی " و یا " انقلابی " قایل می شوند . به این
 ترتیب از نظر سیر تاریخ آنچه در افغانستان ، اتفاق افتاده به نظر من
 يك حادثه غیر عادی نموده است . چرا ؟ کشور های مانفد افغانستان بسیار
 عقب افتاده اند . نظامهای فیودالی و با نیمه فیودالی در آن ها مستقر
 است و یا جوامع قبیلوی را تشکیل داده اند در حالیکه در گرد و نواح -
 آنان کشور های پیشرفته قرار دارد و تفاوت بین این نظامها خیلی عمیق
 است . دسته های کوچک ازین کشور های عقب افتاده در اردو متمرکز است
 ولی روشنفکران و بیروکرانها مشاهده می کنند که مملکتشان تا چه پایه
 پس مانده و عقب افتاده است در حالیکه جهان به چه سرعتی ، مسیر انکشاف
 اقتصادی خود را می پیماید . این دسته اشخاص ، بین جامعه خود و جامعه
 پیشرفته تفاوتی عظیمی را ملاحظه می کنند و میکوشند این شرایط را تغییر
 بدهند و من این کوشش ها را محکوم نمی کنم .

بصورت مثال من عمل دیکتاتوریستها Dektabrista را که نمونه ازین
 گونه عکس العمل ها در تاریخ وطن من است و بعد از شکست ناپولئون علیه
 رژیم سزار در روسیه میکوشیدند کودتایی برای اندازند محکوم نمی کنم

آنها در حالیکه شرایط زندگی اروپا را دیده و از جنگ به وطن برگشته بودند، تقاضا داشتند، شرایط زندگی در مملکتشان نیز تغییر نماید. آنها میخواستند چهره عقب افتاده روسیه را در داخل سیستم بورژوا - دیموکراسی تغییر بدهند. آنان به مراد خویش نرسیدند چونکه شرایط برای چنین انکشاف آماده نبود.

به همین ترتیب، جوامع امریکای لاتین، آسیا و افریقا را که می کوشند، شرایط جوامع خود را تغییر بدهند محکوم و ملامت نمی کنیم. در خلال چنین شرایط، آنچه در افغانستان در سال ۱۹۷۸ اتفاق افتاد، نمی توان بدان صیغه ماجراجویی داد ولی وقایعی که بعد از اپریل سال ۱۹۷۸ در افغانستان رخ داد واقعا ماجراجویی بود.

بدست آوردن قدرت، امر ساده و سهل است. ما دیده ایم که در بسیاری از کشورها، در خلال يك شب قدرت دست بدست گشته است و این امر در مورد افغانستان نیز صدق می کند. اما گرفتن قدرت نه يك پرابلم بزرگ است و نه حایز اهمیت فراوان میباشد. برای بلشویکها نیز وقتی قدرت را در پتروگراد (لنینگراد) به دست گرفتند کار دشواری نبود ولی مشکلات، فردای آن عرض وجود نمود.

این يك ماجرا جویی محض است که وقتی قدرت را بدست آوریم میتوانیم جامعه خود را در يك روز و یا در مدت کوتاه تغییر بدهیم. آنانیکه قدرت را به سهولت دست می گیرند و می پندارند که به همان سهولت، می توانند سنت های جامعه را تغییر بدهند و آنها را به جامعه مدرن تبدیل کنند در يك پندار واهی و بی بنیاد قرار دارند. آنانیکه در اپریل ۱۹۸۷ در افغانستان، قدرت را بدست گرفتند با کمال افتخار و غرور ادعا می کردند

که میکوشند، کشورشان را از يك جامعه قبیلوی و فیودالی، به سرعت ممکنه تغییر بدهند. این يك ادعای کاملاً احمقانه بویختی يك کار ناممکن عمرده میشد. آنان در صدد برآمدند که پلان خود را در طی دو و یا سه سال عملی کنند در حالیکه برای تطبیق چنین پروگرامی لا اقل بیست تا سی سال ضرورت است و اگر معقولتر محاسبه شود، تطبیق چنین پلان ها، پنجاه تا شصت سال بکار دارد و عمل حکومت کابل يك خطای مضر بود. آنان کوشیدند که مناسبات اجتماعی بر حال و موجود را فوراً واژگون گردانند. شما سنت های يك جامعه را بدین منوال تغییر داده نمیتوانید. شما فقط به تدریج و یواش یواش میتوانید عوض کنید. گذشته از آن، وقتی به این مراد خویش نایل میگرددید که ترکیباتی را با ارزشهای سنتی جامعه ایجاد کنید.

من مولف اثری هتم که اخیراً در اتحاد شوروی به طبع رسیده و در باره تکامل جوامع آسیایی و تحلیل جایگزین ساختن اشکال مدرن بجای سنت های گذشته، صحبت می کند. بی مناسبت نیست اگر این تحلیل در مورد افغانستان نیز مورد توجه قرار بگیرد. جای تردید نیست که شما هرگز نمیتوانید از يك جامعه فیودالی افغانستان يك کفور سوسیالستی ایجاد کنید. اینک به کلی ناممکن است، حتی تطبیق چنین پلان در کشور من نیز ناممکن است.

اعتبارات بزرگ در سالهای ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ در اتحاد شوروی نیز صورت گرفت. اما در افغانستان، این اعتباه مصیبت بار آورد چونکه افغانستان بیش از همه، يك جامعه سنتی و عنعنوی بود. این يك ارزیابی شخصی من نسبت به آنچه اتفاق افتاده، گفته میشود.

ولی اکنون این حقایق، جزو تاریخ شده است.

اکنون مشکلات و معضلات مختلفی عرض اندام کرده است. مشکل بزرگ این است که ما در افغانستان مداخله کریم در حالیکه با آن کشور بیهمان دوستی بسته بودیم و اتحاد شوروی چنین قرار داد ها را با اکثر کشورهای آسیایی و آفریقایی عقد کرده است. در خلال چنین شرایط و بعد از عقد چنین قرار داد ما در مشکلاتی برگیر شدیم که برای ما هرگز خوش آیند نبود. در خلال سال ۱۹۷۹، حکومت افغانستان چارده مرتبه از ما تقاضا کرد عسکر به افغانستان بفرستیم از ماه مارچ تا ماه سمبر، حکومت ما، به این تقاضا ها پاسخی نداد. واضح است که اتخاذ تصمیمی درین مورد خیلی دشوار بود. برای حکومت ما گرفتن تصمیم در برابر این سوال بسیار مشکل بود. از نظر من، تصمیم حکومت شوروی، يك تصمیم ناموزون و نامطلوبی بشمار میرفت. تصمیم به سویه عالی ترین سطح دفتر سیاسی، اتخاذ گردید حتی به سویه کمیته مرکزی و سطح وسیع مورد بحث و مذاکره قرار نگرفت. به اعضای انستیتوت من در هیچ يك از جلسات اجازه بحث روی برابرلم های آن داده نشد، اما من میدانستم که برخی از اعضای دفتر سیاسی، در احسرای عملیات شتاب داشتند.

لیف شولتمس: بر اساس فهم من، شما شخصاً مداخله قوای شوروی را در افغانستان به حیث يك فاجعه می شمارید. برای توضیح این مطلب که در اپریل ۱۹۷۸ در کابل، اتفاق افتاد و بدان "صحه" داده شد و بدون تردید ما هم این کلمه آنرا، وضاحت میداد و آنچه شما در باره "حزب دیموکراتیک" افغانستان و اقدامات عملی شان، در خلال سال اول احراز قدرت توضیحات دادید، در آن صورت نکته روشن بود که به حیث يك سازمان سیاسی

شایستگی انرا نداشتند که به سطح گسترده و بنیاد جامعه را طوریکه انعام میکردند، تغییر بدهند و یا بنیاد جامعه تازه ای را بریزند و به مفکور و پلان خویش باقی بمانند. پس آیا اعزام سربازان شوروی به افغانستان نیز يك فاجعه بود؟

سیمونیا: طبعاً مداخله قوای شوروی در افغانستان، يك تراژیدی و واقعه يك فاجعه بود. این فاجعه درست وقتی که کودتا صورت گرفت، و حوادثی بدنبال آن اتفاق افتاد، تحقق پذیرفت. برایلم وقتی پدیدار گشت که يك قدرت سیاسی جدید رویکار آمد و باید بنیان اجتماعی خودشان را وسعت می بخشیدند. این کار امکان داشت اما بهمه حالهر اکثر این چنین وقایع موفقیت بدست نمی آید. تنها مثالهای محدودی میتوان سراغ کرد که نظامیان قدرت را بدست بگیرند و نیروی سیاسی که در مرکز قرار دارند، ساحه نفوذ شانرا وسعت بخشند.

حزب دیموکراتیک خلق افغانستان از تکیه گاه اجتماعی کافی برخوردار نبود. آنان قدرت مرکزی را بدست آوردند و کوشیدند، ساحه نفوذ خویش را گسترش بخشند، اما در نقشه شان توفیق نیافتند بدلیل اینکه مساعی شان بیشتر ماجرأ جویانه بود. آنان نمیدانستند که وطن شان چه چیزی را می پسندد، و ان اینکه جامعه شان يك جامعه سنتی بود و نمی توان چنین جامعه ای را در يك شت تغییر داد، آنان می پنداشتند که جامعه افغانستان در يك سویه سرمایداري متوسط قرار دارد ولذا کوشیدند از نمونه انقلابات گذشته ممالک انگلاد گرفته، بیرونی نمایند و ان يك پندار خیلی احمقانه بود، بحال اینکه زیر بنای اجتماعی خویشرا گسترش بدهند برعکس آن زیر بنا را تنگتر ساختند.

از سال ۱۹۶۰، به اینطرف بر اساس مطالعات من در باره کشور هایی که از مرحله انکشاف سرمایداری، عبور می نمایند تاکید بیشتر، بر ایجاد بنیاد های جدید اجتماعی شده است. اگر يك ملت نیرو های نظامی در يك مملکت قدرت را بدست گرفته اند مجبور بوده اند، که قدرتهای سیاسی و اقتصادی را نیز با خود، همگام بگردانند ولی شما چگونه میتوانید از همکاری قدرت اقتصادی برخوردار گردید در صورتیکه زیر بنای اجتماعی شما گسترش نیافته باشد، عین چنین برابلم در کشور من وجود دارد.

سوال: آیا حزب دیموکراتیک خلق افغانستان، به حيث يك قدرت - سیاسی نمی تواند، طرفدارانی از میان مردم برای خود، دست و پا کند؟ آیا با اعمالی که مرتکب شد، دشمنی و خصومت خود را آشکارا ساخت؟

جواب: تصمیم اعزام نیروی شوروی به این مقصد بود تا آنان را از نابودی نجات بدهد و به آنان این شان را فراهم کند، تا اشتباهات خود را تصحیح کنند.

مشکل بزرگ این بود که رژیم چگونه اشتباهات خود را تصحیح کند. ما در شوروی در سال ۱۹۱۲ قدرت را بدست گرفتیم و يك سال بعد تر در ۱۹۱۸ - مرتکب يك سلسله اشتباهات شدیم، ما فوراً متوجه آن گردیدیم. اشتباهاتی که حزب دیموکراتیک خلق افغانستان مرتکب شده است با اشتباهات ما تفاوت دارد. اشتباهات ما بسیار ساده و بسیط بود. ما پروگرام انقلاب سوسیالستی را در روستا ها براه انداختیم و لینن فوراً دریافت که ما اشتباه کرده ایم. لهذا در قریه ها " کمیته های غربی " تشکیل دادیم نسبت به برخی علل، شرح چگونگی واقعه را مقتضی و مناسب میدانستیم مدتی بکار بون تا علل انرا با جزئیات شرح میدادیم، ولی در هر صورت

این مطالب ثابت شد که در چنین موارد ، در مقابل اصلاح سنت های دیرینه
 اعیان و وضع يك پروگرام مدرن سیاسی - امر لابدی میباشد . لهذا ما
 بعد از انقلاب ۱۹۱۸ کارهایی کردیم که اعتباه محض بود و فوراً متوجه
 این اشتباه شدیم ، این است که حکومت در سال ۱۹۲۱ پالیسی جدید اقتصادی
 را روی دست گرفت .

سوال : من درین تازه گیها با يك شهری شوروی که در باره انکشافات
 افغانستان بعد از سال ۱۹۲۸ معلومات زیادی داشت و صحبت کردم . وی - البت
 زیادی در افغانستان اقامت داشت و در طول اقامت خود از انکشافات تازه
 ان کشور معلومات دقیق بدست آورده است وی اظهار داشت که او هرگز طرفدار
 مداخله قوای شوروی در افغانستان نبود و وقتی این امر اتفاق افتاد
 انکشافات غیر منتظره ای بوقوع پیوست .

نظر او ، که مثل نظرات عده زیادی از یاران او نیز بود ، نظر لینن
 را تأیید می کرد . لینن باری گفته بود : انقلابی که بر پای خود
 نتواند ایستاده شود ، ذریعه قدرتهای خارجی ، یارای ایستادگی نخواهد
 داشت . اگر يك رژیم ، به گونه رژیم کابل ، به توسعه و گسترش پایه های
 اجتماعی و تعمیق حمایت مردم خود توفیق نیابد ، در آن صورت استفاد
 از يك قدرت نظامی بیگانه ، به هیچ صورت کمبود خلایی را که از ناحیه
 فقدان محبوبیت در داخل کشور ، ایجاد شده ، نه تنها پر نخواهد کرد
 بلکه بر عکس پایه های سیاسی و اجتماعی چنین يك رژیم را هنوز هم بیشتر
 ضعیف خواهد ساخت و انرا اله است يك قدرت خارجی معرفی خواهد کرد .

این سخن به من گفت که روی این دلایل ، او هرگز انتظار نداشت
 فشار نظامی شوروی در افغانستان مداخله کند و وقتی چنین يك تصمیم از

طرف نیروی سیاسی گرفته شد، یا انکشاف غیر منتظره و تعجب آور بود. به نظر این شخص، چنین یک تصمیم از طرف یا عده رحالی اتخاذ گردید که از شرایط عینی افغانستان بی اطلاع بودند به نظر شما، آیا تصمیم برستاند نیروی شوروی به افغانستان یک تصمیم درست بود؟

جواب: از آنجائیکه من در انستیتوت شرق شناسی مصروف هستم لهذا در موقفی نیستم که تمام انگیزه ها را قضاوت کنم. ما برای خود منابعی برای جمع آوری اطلاعات در اختیار داریم ولی در آن وقت تصویر کاملی از اوضاع را نداشتیم. اما من ترجیح میدادم که چنین حرکتی صورت نگیرد و از طرف دیگر، میتوانستیم مصدر کمکی شویم. شاید در آنوقت، که تصمیم نهایی در مورد افغانستان گرفته می شد، هیچ مطالعه و تدقیق علمی صورت نگرفت. سزاوار این بود که قبل از اتخاذ چنین تصمیم بزرگ سه حلقه های علمی و اختصاصی اجازه همکاری و نظر خواهی داده می شد و نکته روشن و مسلم این است که در سال ۱۹۷۹ به چنین نکات توجهی مبذول نگردید. ولی امروز کار به گونه دیگر است، حکومت میکوشد نظر کارشناسانی را در زمینه هائی که تصمیمات بزرگ از قبیل سیاست خارجی و مسائل مختلف اتخاذ میگردد، نیز بگیرد.

سوال: ما در نظر داشتن شرایط موجود، برای حل مسأله افغانستان و پایان جنگ در آنجا، شما چه پیشنهادی خواهید داشت. آیا نسبت به حل مسأله از طریق مذاکرات توجه موفقی قرار داریم؟

جواب: به نظر من، حزب حاکم در کابل، و حکومت در حال در آنجا یک مسأله گفت و گوهای بزرگ را روی دست گرفته اند. فتنه های که محتاطانه برداشته اند نباید کوچک شمرد. شود ولی اگر ما در باره مذاکرات بیسین (م - ۱۳)

ساجد

مباحثه با يك عسكر شوروی اهل استونیا كه در افغانستان برای جنگ برستاده شده بود .

س - فعلاً در افغانستان چه می گذرد ؟ اگر چه ما در استونیا قرار داریم اما تو در همین روز ها از افغانستان برگشته ای .

ج - در حال حاضر در افغانستان جنگ شدید جریان دارد . برائستی كه در همین روز ها از آن جا باز گشته ام . برای من بسیار تعب آور - بود كه با زندگی آرام این جا عادت كنم . تمام خیالات و اندیشه هایم در زمانست كه در افغانستان بودم ... (بعضی اوقات نمی توانم به آسانی خواب كنم) واقعا من بلكه خواب حراب دارم) هنگام خواب زندگی در افغانستان پیش چشمانم محسوس می شود . يك مزاحم وحشت ناك است ، چه يك خواب احمقانه ای ... موجود و زنده فقط دو انسان ، اینجا در استونیا بار دیگر آرامی مثلیكه باز هم در افغانستان عسكر داشم .

س - بگذار - مثلی كه کدام داغ داری ؟

ج - بلی همینطور ... ولی نمی دانم ، چه وقت از آن خلاص می شوم .

س - مهربانی كرده شرح دهید كه در هنگام عسكری بر كجا بودید

و در باره خدمت خود اندك معلومات بدهید ؟

ج - مرا در خزان - ال ۱۹۸۱ به عسكری گرفتند ، آن جا (در جنوب راسی (Rossi) ما را شش ماه تعلیم نظامی دادند ... مرا به افغانستان

فرستادند . اولاً در جنوب افغانستان ، بعداً در جریان زمستان که انجا خزان بود - در جریان زمستان در نرزيك كندهار . وقتی که زمستان خلاص شد ، در نرزيك پايتهخت روان کردند و تا اخير دوره عسکری در نرزيك کابل بوم .

س - در کدام جزه تام عسکر وچکاره بودید ؟

ج - در يك قطعه معمولی و يك سرباز معمولی بوم ، و در اين قمت کدام موضوع دلچسب نیست .

س - شما در کجا زندگی می کردید ؟ و چه قسم جابجا بودید ؟

ج - در ولایت كندهار بسیار معمولی در يك كاغوش . در کابل در خود کابل همراه جزو تام نظامی خود نبودیم . در يك دامنه از تعمیر مکتب در يك تعمیر که به گمانم کدام شفاخانه بود ، و در شرایط مختلف البته در خیمه هم زندگی می کردیم .

س - همراهی کی يك جا خدمت کردی ؟ مقصد من ازین است که از نقطه نظر ملیت ها در جزو تام شما چه کسانی بودند و سطح تحصیلات آنها چگونه بوده است ؟

ج - در باره تحصیلات نمی توانم دقیق بگویم اما می خواهم خاطر نشان کنم که اهالی جمهوریت های آسیائی را بطه خصمانه با دیگر اهالی یعنی شوروی ها و استونیایی ها داشتند . حقیقتاً عساکر از جمهوریت های آسیائی کم بودند اما از جمهوریت های ساحه بالتیک کمتر از آنها بود . مرا بخت یاری نکرد همراهی يك سرباز لیتوانیایی سازش کردم که تا دیر زمانی همراه او بوم و دیگر همراهی دو لیتوانیایی و يك استونیایی در يك زمان کوتاه ملاقات کردم و می توان گفت که این بصورت تصادف بود .

س- چرا عاكر آسيای مركزى عصبانى بودند ؟

ج - ما توجه به سخن هاى ايشان نكرديم . البته آنها عصبانى بودند -
ولى نمى دانستند بالاي كى آخر فكر مى شد كه حالت آسيای مركزى
بطور كافى عمگين كننده است هيچ وقت به خاطر آزادى از ... سياس
گذارى نمى كردند ... و براى ما مقدار كافى از آزاد كنندگان روان كنيد
اگر گياه خور باشند اين يك خشم فزائى ، تاجك و اوزبك بود چه خشم كور
كورانه اى . براى آنها تشريح را شروع مى كرديم نمى خواستند گوس
فرا دهند و اگر هم درست مى شنيدند باز هم براى شان بى تفاوت بود و نمى
دانستند .

س- آيا خشم ان ها از خاطر اين نبود كه همراهى هم طايفه خود ميچنگيدند ؟
ج - بلى ، البته ، اين هم بود ... هنگام حركت در يك عمليات در نزديك
كابل يك ازيك را اسير گرفتيم ، و دربين ما هم يك ازيك بود ما كوشش
كرديم كه به حيث ترجمان از وى استفاده كنيم .

س- آيا زياد واقع مى شد كه همراهى جزو تام هاى افغانى كه به مقابل
شما مى جنگيد برخوردار كنيد ، مى توان آنها را بارتيزان ياد كرد ؟

ج - امكان داشت . ولى بعضى وقت هاى بالاي قواى روسى مى آمد كه
ميتوان آنها را يك حالت بحرانى و نامعلوم ناميد ، دقيق گفتن مشكل است
قواى بارتيزان ها كى بود ، و كى نبود ؟ قريه هاىي وجود داشتند كه ما
جرات ظاهر شدن را در آن نداشتيم . قيام افغان ها در بعضى نقاط بسيار
قاطع و محكم بود ... من در آن جا فقط سرباز اردوى روبرو بودم و نمى
توانستم اوضاع افغانستان را درست ارزىاسى كنم . ولى ميتوان گفت كه
در نتيجه كار مبارزين راه آزادى - احه فعاليت قواى شوروى تا اندازه

زیاد محدود شده بود .

س- بعضی از این افغان ها در وقت سخن گفتن با تو از مبارزین راه - آزادی نام می گرفتند؟

ج- بلی ... وقتی که من سرباز اردوی شوروی بودم ، ما هیچ وقتی در آن جا بین خود افغان ها را مبارزین راه آزادی نمی نامیدیم واقعا حتی در کله * ما هم این گونه طرز تفکر وجود نداشت ... ظاهرا موقعیت شخصی ما در آن حالت مانع می شد که حتی ما یک دیگر خود را بشناسیم . اما حالا من کاملا موافق هستم که آن ها را به نام مبارزین راه آزادی یاد کنم ... بیننده های طرفدار ، امکان دارد ، می توانند به نظر ساده نگاه کنند .

ولی ما اینجا تماما در حالت استمگري بودیم مثلی که تمام تفکر ما فلج بود ... پیشروی ما ، در عقب ما صدا های انداخت کلاشینکوف ، دودن و انداخت بود . چهار طرف خود واقعا مرگ را می دیدیم . اگر خود می خواستیم زنده بمانیم می دیدیم انداخت می کریم و فقط ایستاده نمی شدیم و دور نمی کردیم ...

س- من باور دارم که در افغانستان برای شما و برای افغان ها ساده نبود . شاید باز هم نتوانسته باشم که برداشت خود را درست ابراز کنم ولی توجه نظر داری ما چه کار داریم با اشغال گری شوروی در افغانستان ؟ تو موقت آینده اردوی شوروی را چگونه ارزیابی می کنی ؟ ما در اینجا در شرایط صلح و در مسافه پنج هزار کیلو متر ، می توانیم چیز های غیر قابل باور بگوئیم ولی تو اوضاع را بطور بررسی می نمایی ؟

ج- بیان این مسئله مشکل است ، قبلا برای شما گفتم که ما در اینجا
(س- ۵۰)

این جنگ چیست

مولفان سید بشیر حسین و ابرار حسین رضوی، محل طبع اسلام آباد سال طبع ۱۹۸۶ زبان انگلیسی، تعداد صفحات ۱۰۵.

نویسندگان کتاب یاد شده موقعیت مهم جغرافیایی افغانستان را به بررسی گرفته میگویند. علاقه دکتور محمد اقبال کشوری را که قلب آسیا خوانده بوده اکنون به رزمگاه خونین نیروهای شوروی تبدیل شده است.

جنگی که در سال ۱۹۷۹ در آن کشور آغاز گردید هنوز ادامه دارد و طویل ترین جنگ به شمار میرود. کتاب این جنگ، کیت نگاهی گذری به توسعه طلبی شوروی انداخته و مخصوصاً روند پیشقدمی شوروی را در آسیای مرکزی که زمانی کانون بلند آوازه علوم و معارف اسلامی به شمار میرفت مورد مطالعه قرار میدهد.

سیاست بیشر روی شوروی حتی پس از رویکار گردیدن رژیم جدید جان تازه گرفت و ابعاد وسیع تری اختیار کرد. مولفین از نیروهای مقاومت عیب جوئی می کنند و شوروی را ختن افغانستان را بباد انتقاد می گیرند.

مولفین می گویند روزی یکی از خلقی های بلند پایه می گفت "یک میلیون افغان کفایت می کند بدیگران ضرورت نداریم".

الحق این گفته صحت یافته چنانچه اضافه از ۵ میلیون وطن را به

اجبار ترك داده اند . روسيه در عرض چارصد سال توسعه جوئی نموده و
کشور های كوچك را بلعیده و سرزمین های دیگران را ضمیمه امپراتوری پهناور
خویش گردانیده است . اکنون این امپراتوری وسیع ۱/۶ حصه زمین مـا
را احتوا می نماید .

د افغانی ماشومانو د ښوونې او ۰۰۰ ۲۷

د هیواد د پوهنتونو کښی ، په کابل او جلال آباد کښی یو څه نغونسی
او هلکان لیدل کیژی چېرته چی د نجونو شمیره په هلکانو ډیر زیات دی .
دا ځکه چی پیر هلکان د عسکری د باره نیول شوی دی ، او نورو ډیرو ددی
ویری چی عسکری ته به مو ولېزی د پوهنتونو څخه تښتیدلی دی او ځینسی
زیات هلکان د مجاهدینو سره یو ځای شوی دی . د پوهنتون درسی نصاب
او سیستم د روسانو په طریقه جوړ شوی دی . پوهنځی د هغه استادانو څخه
بیخی پاکی شوی دی څوک چی د موجوده رژیم خلاف دی .

پیر هغه خلک چی په افغان مقاومت کښی شامل دی او یا لارلری او هغه
څوک چی د دوی سره مرستی کوی د افغانستان د حیاتی اهمیت څچی د تعلیمسی
سویی بشپړوالی دی ښه خبر دی . دا خبره د افغانستان په حقله به یو
کنفرانس کښی چی په اکسفورډ کښی په دی وختو کښی جوړ شوی و* نوره هم
واضح او ثابت شوه . په هر صورت به موضوع پوهیدل یو شی دی ، او د
موضوع حل کول بل . به سلونو او زرگونو افغانی کوچنیانو باندی به
وخت تیر وی چی هغوی ته به صحیح طریقه تعلیم ورکړی شی .

حادثه غم انگیز مداخله شوروی ۰۰۰ صفحه ۲۶

حکومت کابل و مخالفین سخن میگوئیم در آن صورت حکومت، گذشتهای بزرگی را متقبل شده است، در ساحه قدرت سیاسی و در ساحه فعالیت اقتصادی پیشرفتهای مهم و قابل توجه صورت گرفته. در مسایل دینی نیز کارهای بعمل آمده است، گذشته از آن حکومت کابل پیشنهاد امکانات تشکیل یک حکومت ائتلافی را که بعد وسیع و گسترده داشته باشد، نیز عرضه کرده است. اگر طرفهای درگیر در جنگ افغانستان، علاقمندند صلح درین کشور باز گردد، چنین شرایطی کنون پیدا شده است. موقف حکومت شوروی و کابل طوری عبار گردیده که شرایط یک توافق را میسر ساخته و با کمال اطمینان میتوان گفت که یگانه مانع در حال حاضر، مداخله دستگاه اداری ایالات متحده امریکا است. البته مشکلات دیگری هم وجود دارد ولی موقف سخت گیرانه امریکا، مهمتر از همه است، من برین امر اصرار نمی ورزم که ایالات متحده امریکا، مساعی خود را وقف مذاکرات صلح ننماید، بلکه ارز و این است که درین جریان مداخله نکند و مانع کوشش دیگران برای وصول به یک راه حل نشود.

سوال: آیا ما میتوانیم شرایط و امکانات بیشتری را سراغ کنیم که موجودیت چنین امکانات منتج به حل منازعه شود. سوال اساسی که برای همه جوانب درگیر یک سوال حل نشده باقی مانده، سوال کرکتر و ترکیب رژیم نو در کابل است که بعد از خروج قوای شوروی از افغانستان، تبارز می نماید. آنچه من درک کرده ام، فورمول مهم در برابر این سوال قرار دارد.

موضع گیری نخستین این است که سعی میشود که دستگاه اداری جدید حزب دیموکراتیک خلق افغانستان که عناصر مخالف نیز به عنوان یک جبهه،

وسیع و گسترده در آن اشتراك خواهند ورزیده هسته اساسی را تشکیل خواهد داد . این جبهه وسیع از طریق تاسیس " جبهه متحد " و یا " جبهه " پدر وطن " تحقق خواهد پذیرفت . موقف رسمی اتحاد شوروی نیز بدین گونه است سوال دوم تاسیس يك حكومت ائتلافی است که در امران شخصیتی قرار بگیرد از قبیل محمد ظاهر شاه ، پادشاه سابق افغانستان که دوستی دیرینه یی با اتحاد شوروی دارد . بعد سوال سوم در میان می آید و آن موقف ایالات متحده امریکا است که به نظر آن دولت ، میتوان بدان " موقف آغاز " نام داد . امریکا اصرار دارد که حکومت مستقبل افغانستان ، باید از هفت تنظیم مجاهدین مقیم پشاور تشکیل گردد و ستون فقرات رژیم را بی ریزی نماید .

عده زیادی که خود را واقع بین می پندارند ، معتقدند پیشنهاد اول که مورد حمایت و پشتیبانی اتحاد شوروی و رژیم کابل قرار دارد از طرف مهاجرین افغان در پاکستان و اروپا هرگز قبول نخواهد گردید ، و این راه حلی نیست که با موفقیت منتج شود .

همچنان مامورین امریکایی در خلال صحبت اظهار داشته اند ، که موضع گیری رسمی حکومت متبوع شان به عنوان " موقف آغاز " دایر به تاسیس يك حكومت متشكل از هفت تنظیم مجاهدین مقیم پشاور ، راه حل این بن بست نمیشود .

سوال واقعی این خواهد بود که بین ایالات متحده امریکا ، اتحاد شوروی ، رژیم های کابل و اسلام آباد ، به شمول تنظیم های مجاهدین توافقی به منظور تاسیس حکومتی در کابل منتهی گردد که بر تطبیق فیصله نامه ملل متحد و اخراج قوای شوروی از افغانستان ، نظارت نماید . آیا

میتوانید شما نظر خود را برین مورد ابراز کنید ؟

جواب : مشکل بزرگ و اساسی چگونگی انتقال این شرایط است
پیش از همه باید بگویم که من دیپلماتها را هرگز نمی پسندم . آنان
راه و روش مخصوص بخود شان را دارند و من يك ساینس دان میباشم جلو
من جهان و تاریخ اکثر کشور های جهان قرار دارد . به نظر من افغانستان
المان غربی ، فرانسه و یا انگلستان نیست ، در افغانستان شرایط دیگری
برقرار است .

وقتی ما صحبت از يك حکومت ائتلافی می کنیم ، تشکیل چنین حکومت
ائتلافی ، کشور های اروپایی نیست . کیفیت شرایط در افغانستان ، به گونه
دیگر است . مفکوره تاسیس يك حکومت مطلقاً ائتلافی و یا حکومتی که همه
سازمانهای سیاسی دارای صلاحیت مساوی باشند برای افغانستان يك
مفکوره بوج و بی اساس می باشد . برین معضل دو سوال اساسی وجود
دارد . سوال نخستین این است که باید حکومت ائتلافی پایه وسیع و گسترده
داشته باشد . دوم اینکه در داخل این جبهه متحد نیرویی وجود داشته
باشد که شکل زعامت و رهبری این جبهه را به عهده بگیرد . البته این
نیروی حاکم نه به شکل خود کامه و مطلقه بلکه دارای نیرومندی کافی باشد
در شرایط امروز نه نیروی سیاسی ارتجاعی و نه حزب موجود در افغانستان
برای حل قضیه مطلوب است .

اگر ما واقع بین باشیم و آنچه را واقعا در افغانستان جریان دارد
مورد توجه قرار بدهیم برین صورت ، حزب حاکم در افغانستان را ریم که
يك سروگرام مثبت انکشاف ملی را پیش میبرد . ما چنین يك پروگرام مثبت
را در مشاور نمی بینیم .

در پشاور هفت تنظیم و یا بیشتر وجود دارد که بین خود در حال برخورد هستند و دارای يك پروگرام مثبت نیستند . اکثریت این احزاب تلاش می کنند که بیشتر از ایالات متحده امریکا بدست بیاورند تا پایگاه خود را مستحکم تر بگردانند . این چنین اشخاص يك نیروی قوی و بنیادی گفته شده نمیتواند . حتی آنان موفق نیستند به استحکام موقف خود دست یابند . اگر آنان به قدرت برسند ، يك قدرت تروریستیک خواهند بود .

سوال : آیا شما به استحکام موقف جمهوری دیموکراتیک افغانستان عقیده دارید ؟

جواب : من عقیده دارم که با يك تعداد گذشته و جادادن قوتهای مخالف در حکومت خود ، ممکن است موقف خود را مستحکم بسازد . جمهوری دیموکراتیک افغانستان ، با دادن خود مختاری داخلی به سطح محلی و ولایتی امکان دارد ، جایگاه محکمی برای خود تامین نماید . این البته مفهوم جنب همه قوتهای مخالف را ندارد بلکه جنب اکثریت این قوتها امکان پذیر است اگر به آنها اجازه داده شود ، بدون مداخله خارجی کار کنند در انصورت امکان دارد ، این سوال حل گردد .

شما تصور کرده نمیتوانید که اگر يك حکومت کاملاً ائتلافی تشکیل شود ، بعد از يك روز ، يك ماه و حتی يك سال ، این حکومت ائتلافی ، از بین خواهد رفت . بعد از آن حکومتی چگونه رژیم تروریستی بول بوت در کمبوجیا روی کار خواهد آمد و یا امکان دارد ، حکومتی روی کار آید که بتواند تحولات بزرگی در جامعه البته نه در طی فرصت کوتاهی ، وارد آورد . مهم این است که درین تحول و دگرگونی همه جوانب زندگی سنتی و عنعنوی همه گروهها در نظر گرفته شود و تحقق این امر يك قرن بکار دارد و این

هم یگانه راه حل بشمار میرود .

سوال : عصاره نسخه شما بیشتر بر مداخله خارجی اتکا می کند . در شرایط ناهموار موجوده ، این چنین قضاوت غیر واقع بینانه است . در واشنگتن ، ستراتیژیستها از " جنگ محدود " و جنگ نه بسیار شدید صحبت می کنند . افغانستان بهترین سرزمین ایده الی برای تمرین چنین ستراتیژی ها است . با در نظر داشتن این حقیقت که واشنگتن هرگز تصمیم به " مداخله خارجی " به اصطلاح شما در افغانستان ندارد به نظر شما اشاره به این مطلب ، چه انکشافی بدید خواهد آورد . آیا راه حل بین این دو موقف ، میتواند سراغ شود ؟

جواب : این ایالات متحده امریکا نیست که در هر مورد میخواهد تصمیم بگیرد . بلکه پاکستان نیز درین سلسله می آید . اگر بین اسلام آباد و کابل در کنفرانس ژنیو موفقیتی بدست آید ، یک انکشاف بسیار بزرگ بشمار خواهد رفت .

ایالات متحده امریکا ، مکرراً اظهار داشته است که علاقه مند حل صلح آمیز قضیه افغانستان میباشد . اما درست در همین موقع ، اعمال آنها جهت مخالفی را پیش می گیرد . آنها ستینگر بیشتر می فرستند . اختلافات سیاسی را بیشتر وسعت می بخشند . اکنون این منازعات سیاسی تا سرحدات ما رسیده است . در حال حاضر دو برخورد وجود دارد . برخورد در داخل سرحدات ما که تکرار آنرا هرگز اجازه نخواهیم داد .

من کاملاً مستحرم که حکومت متبوع من ، علاقه مند صلح است و بهترین مساعی خود را برای رسیدن به صلح معطوف داشته است . کوشش ما برای استقرار صلح بدین لحاظ نیست که ما گویا ضعیف میباشیم ، همه ما باید

واقع بین باشیم و این از ناحیه ضعف ما نیست.

سوال : آیا شما برای حل مسأله افغانستان بجز دو پیشنهادی که ذکر کردید پیشنهاد دیگری را کاملاً رد می کنید ؟ در برخی از حلقه ها در باره محمد ظاهر شاه و یا قیافه ای بدین سان که موقف بیطرفی و عدم انلاک را حمایت کند ، و بتواند بشکل يك نیروی مستحکم عرض وجود کند و قابلیت اجرای موافقت نامه صلح را داشته باشد ، صحبت های بعمل می آید ، به نظر شما ، چنین يك انکشاف مشهود است و یا در افغانستان غیر ممکن می نماید ؟

جواب : من شخصاً میکوشم که از پیدایش چنین مشکلات خود را دور نگذارم . اساساً من در دیپلماسی فعال مربوط به این قضیه درگیر نیستم به این ترتیب من نمی توانم درین مورد تبصره ای کنم .

سوال : در داخل اتحاد شوروی ، تحولات عظیمی در جریان است . کلمه روسی Perestroika که اعمار مجدد را میتوان از آن تعبیر کرد عکس العمل های از خود داشته و در ساحات اقتصاد ملی و فرهنگ انکشافاتی بدید آمده است . آیا پالیسی " اعمار مجدد " میتواند با نظر داشت دوام جنگ در افغانستان ، موفقانه بصورت دوامدار پیش برود . در حالیکه گورباچف در ولادی وستوک جنگ افغانستان را به حیث زخم خونین تعریف کرده است .

جواب : در خلال دو سال گذشته ، سراسر کشور ما ، به این بنسب ار معتقد شده که جنگ در افغانستان باید هرچه زودتر خاتمه یابد . ما اکنون حمله مساعی خویش را در حل این قضیه وقف کرده ایم . این شرایط با سالهای گذشته هرگز مقایسه شده نمی تواند . قبلاً کوشش ما در تحقق این

امر جریان داشت ولی حالات عام منابع و تلاشهای خود را در راه حل این قضیه بکار برده ایم . چهره های کارشناس و سیاسی ما همه مصروفند تا این معضله را حل کنند . تنها گورباچف ازین جنگ به حیث زخم خونین تعریف نکرده ، بلکه همه ما افسان داریم که این جرح واقعا خونین است و عده به شمار می آید ازین ناحیه آسیب دیده اند . شاید شما مجال آنرا یافته باشید که فلم های مستند این فاجعه را تماشا کنید . جوان بودن چه مقدار دشوار است . همچنان شما دیده خواهید بود که مردم جامعه ما جنگ افغانستان و اثرات آنرا در جامعه ما ، مورد بحث و گفتگو قرار میدهند . در حال حاضر يك بخش ازین فلم های مستند وقف بازتاب این جنگ و زخم خونین افغانستان در زندگی ما شده است .

من يك شخص خوشبین هستم . رسیدن به يك راه حل کار آسانی نیست . بهر صورت من بدین پندارم که حکومت متبوع من ، بالاخره راه حلی را سراغ خواهد کرد . من عضا به تلاشهای گورباچف و شواردناتزه ، درین مورد ایمان دارم ، آنها ثابت ساختند که برابر يك معضله دشواری قرار دارند و از خود انعطاف پذیری نشان داده اند ، آنان در جمله رحالی نیستند که روی يك فارمول اصرار و سرسختی نشان بدهند . اگر امروز يك حرکت موثر و مفید واقع نشود ، طریقه دیگری را پیدا خواهند کرد . ما امیدواریم که در مورد افغانستان نیز این روش صدق کند .

برای ما Perestroika یا اعمار مجدد ، مهمترین انکشاف گفته می شود . این نقطه عطفی در انکشاف کشور ما بشمار میرود . اعمار مجدد موفق می شود یا ناکام میگردد و این ناکامی اعمار مجدد نیست بلکه ناکامی در انکشاف يك مدل مثبت سوسیالزم می باشد . من عقیده دارم که گورباچف

سیاست به اصطلاح سرکشاده گوریاجف و افغانستان

سیاست به اصطلاح سرکشاده و " اعمار مجدد " گوریاجف که از آن با نعل و کرنا و به پیمان و وسیع پرویاگند میگردد در واقع امر برای انحراف مردم از مشکلات رو به افزایش داخلی اتحاد شوروی است . همچنان این اقدام به حیث يك پرویاگند با ارزش در جهان خارج پذیرفته شده است و حالا زعمیم جدید اتحاد شوروی در همه جا بحیث يك شخصیت انعطاف پذیر ، قایم با براگماتیزم غرب شهرت حاصل نموده است .

چهره جدید رهبر اتحاد شوروی ، به انحراف افغانان از " مسئله ملی گرائی " که در آسیای مرکزی رویه افزایش مییابد و موضوع افغانستان ، کمک نموده است . ولی محل تردید نیست که این زعامت پالیسی اتحاد شوروی را در موضوع افغانستان ، تغییر خواهد داد ولی نه به این معیاری که برای گوریاجف رهبر جدید آن کشور ، صیغه لیبرالیزم بخشیده است .

مقامات شوروی از اثرات سریع ناخوشی از انقلاب ایران و تجاوز افغانستان بر بنجاء میلیون مسلمان شوروی سخت نگران شده اند . چنانچه بعد از تجاوز قوای شوروی به افغانستان ، فعالیت های ضد اسلامی در مناطق مسلمان نشین آن کشور ، بحریان افتاد و با گذشت زمان این تشنج با

به عناصر خارجی اجازه نخواهد داد که انکشاف مستقبل " اعمار محدود " را تخریب کنند .

من خصما . در زندگی خوشبین هستم ولی در کینه پاسخ قاطع در باره این که آینده چه خواهیم کرد ندارم . شاید درین لحظه هیچکس از آینده آگاه نباشد . شاید همین حالا برای حل مشکلات فورمولهای تهیه شده باشد . در طی این دو سال برایم ثابت شد که ما دارای زعامتی هستیم که در حل مشکلات قاطیعت و تصمیم دارد . عقیده من بر این امر استوار است که برای ختم جنگ افغانستان نیز راه حلی سراغ خواهد کرد . این گفتار محض یک عقیده است نه زاده معلومات من . اما برخی اوقات ما ناگزیریم به بعضی چیز ها در برخی اوقات ، عقیده پیدا کنیم .

فاجعه صفحه ۴۰

در چه شرایط جانگدازی بودیم . آن جا درین باره فکری نکردیم . اصلا نمی توانستیم . بنا لازم بود که خونرد ، از حد زیاد خونرد باشیم . از نقطه نظر من می تواند نادرست باشد ، ولی فکر می کنم که این اشغال گری بود . هر اندازه که من در این باره فکر می کنم به همان اندازه به این مفکوره متیقن می شود ، ولی در افغانستان مشکل بود که اعتراف کنم .



افغانستان

فی الصحافہ العالمیہ

مجلہ شہریہ لانفکاسات الجہاد الافغانی

فی الصحافہ العالمیہ

MONTHLY MAGAZINE, WHICH REFLECTS THE IDEAS AND OPINIONS OF
THE PRESS AND WORLD PERSONALITIES ABOUT THE RIGHTFUL JEHAD
OF THE AFGHAN PEOPLE.

EDITOR : Prof. Dr. Sayed Mohammad Yusuf Elmi

ADDRESS : Post Box 417 G.P.O. Peshawar, Pakistan.

ANNUAL SUBSCRIPTION:

Pakistan : Rs. 30

Abroad : US\$ 10

Per Copy : Rs. 3

Bank Account No. 649

Habib Bank Ltd.

Cantt. Branch

PESHAWAR.

AFGHAN JEHAD WORKS TRANSLATION CENTRE is an independent and nonaligned Centre. In order to fulfill its obligations, will accept financial assistance provided it does not compromise in any way its independence.



Afghanistan

In The

World Press



Publication Organ: **AFGHAN JEHAD WORKS TRANSLATION CENTRE**

No. 23

2nd Year

January 1988

CONTENTS

1. GLASNOST AND AFGHANISTAN

Marei' Broxup
INQUIRY
Vol. 4. No. 12
December 1987
London

2. THE DAY TERROR CAME TO A
PEASANT VILLAGE

Radek Sikorski
THE OBSERVER
1 Nov. 1987

3. AFGHANISTAN : REALITIES AND
PROSPECTS

Zain Noorani
Minister of state for
foreign affairs-Pakistan
THE PAKISTAN TIMES
31 Dec. 1987

4. BATTLE FOR THE MINDS OF AFGHANISTAN'S
CHILDREN

Floris van Straaten
FREE AFGHANISTAN
No. 7, Autumn 1987
London

5. IT WAS A TRAGEDY THAT SOVIET FORCE
INTERVENED IN AFGHANISTAN

Dr. Nodari Simoniya
THE HERALD
July 1987

6. **ТРАГЕДИЯ**

*(Интервью с эстонским солдатом,
служившим в Афганистане)*

АФГАНИСТАН В ОГНЕ

Документы и свидетельства о войне в Афганистане

7. BOOK REVIEW:

WHOSE WAR IS IT ?

Syed Shabbir Hussain and
Absar Hussian Rizvi
1986-Islamabad.

گرفت. خود گورباچف نیز شخصاً درین مبارزه علاقه گرفته است چنانچه مبارزه " بدیده منفی " وی در آسیای مرکزی، خاص بدین منظور صورت گرفت که از انکشاف روحیه تشدد آمیز اسلامی و تقاضا برای خود مختاری های ملی گرای جلودگری بعمل آید. این اوضاع و حرکات دوره ستالین را بار دیگر در اذهان زنده می سازد. در دوران ستالین، بار دیگر بالیسی سنترالیزم سیاست و عدم تحمل به ملی گرای مورد توجه قرار گرفت. ازجانبی هم کنترل پولیس تشدید یافت و کوشش بعمل آمد تا ناسیونالیزم شوروی ترغیب و تشویق شود.

بهر صورت دستور می نماید روش ستالین که با بیرحمی و قساوت پیس برده می شد، بار دیگر موثر واقع شود. زیرا موقف و شرایط دیموگرافیکسی به نفع مسلمانان تغییر خورده باین معنی که مسلمانان يك جامعه جوان پویا و حرکتی در برابر جمیعت مستهلك شوروی قرار گرفته اند و در آینده یگانه گروپ نوادی خواهند بود که در آن کشور یا تفوق طالبی شوروی به مقابله خواهند برخاست.

يك تاثیر گوارای دیگر مجاهدین افغان بر طرز تفکر مسلمانان شوروی این است که دیگر خوش ندارند شوروی ها را " برادر بزرگ " بنامند و لسی امکان دادن چنین القاب برای مجاهدین افغانستان کاملاً مناسب است. هم چنانیکه قوای زار، در جنگ منچوریا در سال ۱۹۰۵ علیه قوای جاپان شکست خوردند، بلا فاصله نهضت مسلمین در امپراتوری، عزم وجود نمود اینك ما شکست قوای شوروی در افغانستان، احساسات ملیت خواهی در شوروی کسب شد نمود و همه کارها حالا به حرکت افتاده است.

برکناری دین مجد کونایف، منشی اول حزبی جمهوریت قزاقستان و

تقرر كولبين Kolbin كه يك روسي است، بجای وی، در روزهای ۱۷ - ۱۸ سامبر ۱۹۸۶ در الماٹا پایتخت آن جمهوریت به شورش گسترده ای منتهی گردید. می گویند که درین شورش از بیست تا سی هزار قزاق اشتراک ورزیده بودند. يك شب نامه جمهوریت استونیا که به غرب رسیده و می توان روی آن استناد ورزید گزارش میدهد، که در خلال این شورش صدها تن کشته شده اند در حالیکه رسانه های گروهی اتحاد شوروی محض از جراحت چند تن، اطلاع داد.

در اگست ۱۹۸۶، قورگان تیوب Kurgan-Tyube یکی از مراکز اداری جمهوریت تاجکستان، که در جوار سرحد افغانستان قرار دارد، در اثر گرفتاری عده ای از رهبران مسلمین صحنه نارامیهای تشدد آمیز دینی گردید. این رهبران متهم شده بودند که می کوشیدند يك نهضت دینی سیاسی افراطی ارتجاعی و ملی را بنیان نهند. گفته می شد که به انقلاب اسلامی ایران همدردی نشان میدادند و با مداخله قوای شوروی در افغانستان سخت مخالفت می کردند.

از نظر مسلمانان اتحاد شوروی، از سیاست باز گورباچف فقط در مواردی که مطلوب باشد، استفاده میگردد و لهذا اطلاعات ما درین ساحت محدود باقی می ماند ولی ناگفته نباید گذاشت که درین آخرین امپراتوری استعمارگر جهان حوادثی رخ داده که چندان برای مکتب خوش آیند و گوارا نمی باشد ازین قرار:

- شایعات مقاومت مجاهدین در شمال افغانستان، موجب نارامی های گسترده ای در تمام سرحدات جمهوریت های ترکمنستان، ازبکستان و تاجکستان در سال ۱۹۸۴ گردید.

- در جون ۱۹۸۵، بین عساکر جیچن های واقع شمال قفقاز و اردوی سرخ در استراخان تصادماتی صورت گرفت زیرا که جیچن ها " Chechen " حاضر نبودند علیه افغانهای همکیش خود بجنگند. قرار گذارش، از هر دو طرف عده ای مقتول و مجروح شدند.
- سربازان شوروی در ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۵ در دشت آبدان میرعلم یککسی از پایگاههای نظامی شوروی واقع شمال افغانستان با عساکر آسیای میانه به این لحاظ تصادم کردند که راکتن از رفقای تاجیکی مربوط گروپ اخیرالذکر اعدام گردیده بود و این امر سبب تصادم مسلحانه بین اردوی سرخ و سربازان آسیای میانه شده بود. در نتیجه پایگاه تخریب و سربازان به محل دیگر منتقل گردیدند.
- در جولایی ۱۹۸۵ تاتار های شبه حزیره کریمیه که در عصر ستالین به اتهام احتمال همکاری با قوای المان نازی، از وطن شان به این محل تبعید شده بودند در میدان سرخ مسکو دست به مظا هره زدند.
- بالاخره، بعد از اغتشاش در الماتا، يك تصفيه عمومی در احزاب کمونستی آسیای مرکزی به جریان افتاد و این امر يك بار دیگر ثابت ساخت که کار فرمایان مسکو به صداقت مسلمانان سرزمین خویش، بیش ازین نمیتوانند اعتماد داشته باشند. تنها در جمهوریت تاجکستان، چارمد تن از عهده های بلند حزبی، اخراج شدند.
- در افغانستان، راکت ستینگر، وضع جنگ را تغییر داد و روسها کنترل فضا را به تدریج از دست دادند و مجاهدین بصورت اوسط روز يك تا دو هوا پیمای روس را سرنگون ساخته اند، در حالیکه در اراضی کوهستانی از قبیل بدخشان، برعکس ستراتیژی سال بار، قوای اتحاد شوروی، شروع

به برجیدن و تخریب پست‌های کوچک نظامی نموده و این بدان معنی نیست که آنان از داعیه تأمین صلح در افغانستان دست برداشته اند . اساساً اشتباه شوروی در تجاوز بر افغانستان وقتی ثابت شد که در استقرار یک حزب متحد و با سبیلین کمونستی در آن کشور ناکام گردید .

اینکه زعمای اتحاد شوروی سخن از حل سیاسی قضیه افغانستان میزنند به منظور این است که میخواهند از حاسیت بین المللی بکاهند ، نه اینکه مراد آن ، گذاشتن در داخل اتحاد شوروی باشد .

از خلال بیانات اخیر دکتور نجیب ، چنین استنباط میگردد که حکومت کابل امکانات رهائی اتحاد شوروی را ببررسی گرفته است .

سیاست شوروی در گذشته این نظر را تأیید میکرد که انگشور با وصف تحمل خسارات سنگین و فشار شدید داخلی که اوضاع را در داخل کشور به مرحله خطرناکی میرساند باز هم از منازعه و جنگ دست بردار نمیشد ولی مثالهای دیگر هم هست که عکس این سیاست را تأیید می کند .

- کارس و اردهان در ۱۹۱۸ تحت اشغال شوروی درآمد ولی فعلاً جز خاک ترکیه است .

- گبلان ، آذربایجان و گرگان در سال ۱۹۲۱ به ایران ، چین یا ننگ در سالهای ۱۹۳۵ - ۱۹۳۶ به چین ، کرستان و آذربایجان ایران در سال ۱۹۴۵ به ایران واگذار شد . و بالاخره بولیند ، فتلیند و اتریش کشور های مستقل گردیدند .

بهر صورت ، خروج قوای شوروی از افغانستان ، زیر هرگونه عواملی که باشد ، شکست انگشور و دلیل موجه دیگری از ناکامی ایده الوزی - کمونیسم بشمار میرود . گذشته از آنکه به ضیاع حیثیت و برتری این کشور

در جهان سوم و خاور میانه منتهی می‌گردد. نتایج این عقب‌گرایی در داخل خاک شوروی نیز دراماتیک خواهد بود. در صورتیکه اتحاد شوروی در کابل به شکست مواجه گردد و بلانهای آن نقش بر آب شود بمرجرا در تاشکند باکو، مرقند و بولینند ناکام نگرود؟

از طرف دیگر دوام موقف روسیه حیث یک نیروی تحت‌محاصره در کابل کنترل ناقص در امتداد برخی از شاهراه‌ها، باز هم با گنفت هر روز برای اتحاد شوروی خطرات زیادی را بار می‌آورد. زیرا در صورتیکه شوروی به یک پیروزی قاطع در افغانستان، دست نیابد، نارامیهای ملزمانان ملیت گرا و مذهبی در داخل آن مملکت رو به افزایش خواهد گذاشت و احساسات ضد شوروی بالا خواهد گرفت.

در مناطق مسلمان همین اتحاد شوروی تازه مشکلات آغاز یافته است، این مشکلات بگونه افغانستان، شکل یک قضیه حل ناپذیر را اختیار خواهد کرد و بصورت اتومات وحدت سیاسی و ثبات کشور را به مخاطره خواهد انداخت. این است که زمامداران اتحاد شوروی با یک معضله حل ناپذیر روبه‌رو شده‌اند. هر طریقی که انتخاب گردد، متعوض خطر خواهد بود. در حال حاضر، راه حلی را سراغ می‌کنند که زیان کمتر دایمته باشد و این راه حل کم مصرف، شاید خروج قوای شوروی از افغانستان باشد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

افغانستان



مطبوعات جهان

دلو ۱۳۶۶ - جمادی الاولی ۱۴۰۸ - جنوری ۱۹۸۸

سال دوم

شماره یازدهم



عکس: مجله المفتح - کویت

زلفتن

مطبوعات حقیقت

از انتشارات کانون ترجمه آثار جهاد افغان

نشریه بابلش از انعکاسات مجاری حق مردم افغانستان در مطبوعات

مدیرمسؤل: پروهانددکتورستید محمد یوسف علی

آدرس: پست کبس R.P.O. 417

وچا اشتراک سالانه

شماره حساب بانکی 849
حبیب بانک لمیتد
پشاور کانت
پاکستان

در پاکستان	۲۰ روپيه
در خارج	۱۰ دالر
قیمت فنان	۶۶ روپيه

فهرست مطالب

- | | | |
|----|--|--|
| ۴ | ماری بزوکسپ
ماهنامه انکوایری
سامبر ۱۹۸۷
لندن | ● سیاست به اصطلاح سرگشاده
گورباچف و افغانستان |
| ۱۰ | رادیک سیکورسکی
روزنامه آبزور
اول نوامبر ۱۹۸۷ | ● روز ترور یک روستای
هقانی |
| ۱۵ | زین نورانی
روزنامه پاکستان تایمز
۳۱ سامبر ۱۹۸۷ | ● افغانستان؛ واقعیت‌ها -
دورنماها |
| ۲۱ | فلوریس وان ستراتن
د فری افغانستان مجله
اومه گنه - منی ۱۹۸۷
لندن | ● د افغانی ماشومانو په
ښوونه باندې د جگړې اغیزی |
| ۲۸ | ماهنامه هرالد
جولای ۱۹۸۷ | ● حادثه غم انگیز مداخله
شوروی در افغانستان
مصاحبه با دکتور نواردی
سیونیا خاور شناس مشهور
شوروی |
| ۳۷ | از نشرات مخالفین شوروی
در اروپا | ● فاجعه
مصاحبه با سرباز فراری
شوروی |
| ۴۱ | سید بشیر حسین
ایمار حسین رضوی
۱۹۸۶ - اسلام آباد | ● معرقلی کتاب
این جنگ کیست؟ |

